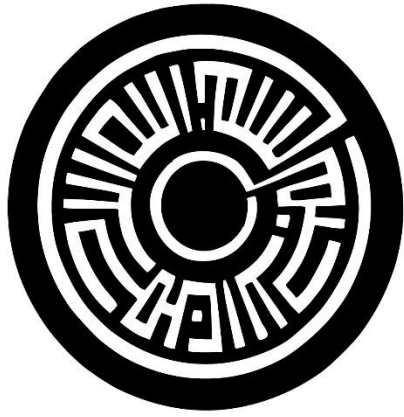




H a d i H e i d a r i





نام کتاب : نقش تبلیغات رادیویی در کودتای ۱۳۳۲

نویسنده : مروین رابرتز (دانشجوی دکترای تاریخ در دانشگاه نورث دنتون تگزاس در آمریکا)

مترجم : بهرنگ رجبی

جمع آوری و تدوین : امیر قربانی

طراح جلد : هادی حیدری

صفحه آرا : امیر قربانی

ناشران الکترونیک : اسلام نوین و سایت تاریخ ایرانی

منبع : سایت تاریخ ایرانی

تاریخ انتشار : ۱۳۹۴/۰۹/۱۲

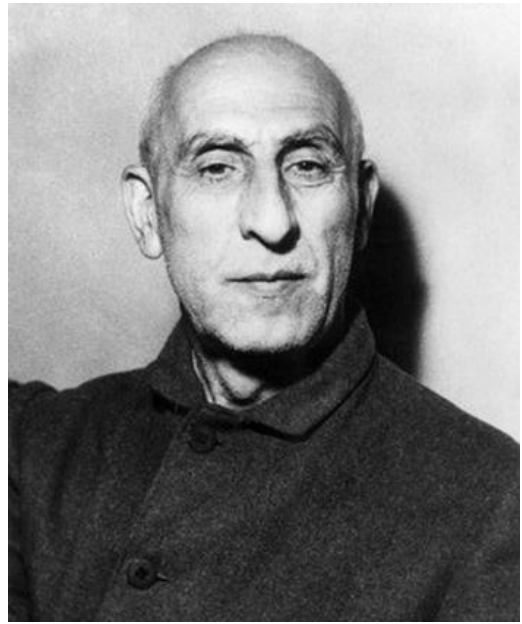
کلیه ی حقوق مادی و معنوی این مقاله متعلق به وبلاگ اسلام نوین و سایت تاریخ ایرانی است.
تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران تنها با ذکر منبع مجاز است.

www.novin-islam.mihanblog.com

www.tarikhirani.ir

فهرست

- جرقه کودتا و آتش بحران..... ۵
- کمونیست‌سازی از مصدق..... ۱۴
- تبلیغات همه‌پرسی و تدارکات بی‌بی‌سی..... ۲۰
- کودتا در اغما..... ۲۸
- اصوات شیطانی در رادیو تهران..... ۳۶



در شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پژوهشی تحلیلی - توصیفی که از منظری جدید به وقایع منتهی به سقوط دولت دکتر محمد مصدق می‌نگرد. پژوهشی با عنوان «نقش تبلیغات رادیویی در کودتای سال ۱۳۳۲» به قلم «مروین رابرتز»، دانشجوی دکترای تاریخ در دانشگاه نورث دنتون تگزاس در آمریکا که در شماره ی نوامبر ۲۰۱۲ دو ماهنامه ی «Iranian Studies» منتشر شده است .

تاریخ‌نگاران کودتای مردادماه ۱۳۳۲، کودتایی که بانی و مجری‌اش ایالات متحده و بریتانیای کبیر بودند، برای بر ساختن روایتی از رخداد‌های آن دوره بسیار به رسانه‌های چاپی تکیه کرده‌اند. این تحقیق، بر پایه ی برنامه‌هایی رادیویی که اف‌بی‌آی‌اس (سرویس خارجی اطلاعات رادیویی و تلویزیونی ایالات متحده) ثبت و ضبط کرده، روایت ماجراهای کودتا را بسط می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که ادعاهای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای) در مورد نقش مرکزی و حساس برنامه‌های تبلیغاتی پوشیده و در لفافه ی رادیو در موفقیت کودتا گمراه‌کننده و خطا است. مطالعه ی دقیق برنامه‌های پخش شده ی رادیویی آن روز نشان می‌دهد همه ی طرف‌های ماجرا درگیر تبلیغات بودند. شبکه‌های رادیویی ایران روی طیف وسیع‌تری از جامعه ی ایران

تأثیر می‌گذاشتند تا روزنامه‌ها که جامعه‌ی مخاطب محدودتری داشتند و در کانون برنامه‌های تبلیغاتی سی‌آی‌ای برای کودتا بودند؛ مثلاً تحقیقی مربوط به سال ۱۳۳۰ در مورد عادات مطالعه‌ی مردان ایرانی نشان از میزان بالای ترجیح خواندن نوشته‌های ایدئولوژیک در روزنامه‌ها داشت. دست‌راستی‌ها بعید بود روزنامه‌های دست‌چپی‌ها را بخوانند و برعکس. این یعنی پیام‌های هر روزنامه احتمالاً فقط به کسانی می‌رسید که از پیش به محتوای آن پیام‌ها متعهد بودند. شکستن سد این خودسانسوری نیازمند دسترسی به شبکه‌هایی رادیویی بود که بتوانند مخاطبانی انبوه را هدف بگیرند. (۱) در ایران، دست‌گرفتن و اداره‌ی بالفعل ایستگاه‌های رادیویی اهمیت بیشتری در سرنگونی مصدق داشت تا برنامه‌های تبلیغاتی پیش از کودتای سی‌آی‌ای، چون اداره‌ی یک شبکه‌ی رادیویی به پیام‌ها دایره‌ی انتشار وسیع‌تری می‌داد.

اف‌بی‌آی‌اس و نیز بنگاه خبرپراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی)، از زمان جنگ دوم جهانی گزارش‌هایی روزانه آماده می‌کردند شامل هم خلاصه و هم ترجمه‌ی عین به عین برنامه‌های رادیویی سرتاسر دنیا، برای استفاده‌ی نیروهای اطلاعاتی دولت ایالات متحده. (۲) این گزارش‌های روزانه منبعی است برای تاریخ‌نگاران برای بازنگری تبلیغات مقطعی رادیوها و امکان فهمی ژرف‌تر از حال و هوایی سیاسی را فراهم می‌آورد که در آن دوره‌ی پرآشوب تهران را در بر گرفته بود. با تحلیل متون اف‌بی‌آی‌اس می‌توان پیام‌رسانی‌های اتحاد جماهیر شوروی را مروری کرد، شبکه‌های مخفی بدیلش را، برنامه‌های شبکه‌های داخلی ایران را، و پیام‌های احتمالی سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده را که در دل برنامه‌های رادیویی محلی جا داده می‌شدند. این متون را می‌توان کنار منابع نوشتاری معمول و موجود گذاشت تا جای خالی جزئیات از قلم افتاده‌ی آن اسناد را پر کنند. اف‌بی‌آی‌اس ضمناً منبع مهمی هم هست برای فهم تحلیل آمریکایی‌ها از وضعیت. در اغلب موارد، پردازش اطلاعات بر پایه‌ی — یا تحت تأثیر — منابع خبری همگانی‌ای بود همچون همان‌ها که اف‌بی‌آی‌اس بهشان می‌پرداخت. مثلاً به نظر می‌آید عمده‌ی جزوه‌ی «سرنگونی مصدق، نخست‌وزیر ایران»، روایتی که سی‌آی‌ای پس از موفقیت کودتا از ماجراها به دست داد، بر پایه‌ی قطعاتی از گزارش‌های اف‌بی‌آی‌اس تهیه شده باشد. در نتیجه خوانش دقیق

این متون چکیده امکانی برای فهم اطلاعاتی به دست می‌دهد که دریافته‌ها و برآورد تعیین کننده و سرنوشت‌ساز ایالات متحده از موقعیت را شکل دادند.

به دلیل تأخیرها در ترجمه و انتشار این متون، در اغلب موارد، تاریخ پخش برنامه‌های رادیویی پرداخته شده در اسناد اف‌بی‌آی‌اس با تاریخ تهیه‌ی خود این اسناد نمی‌خوانند. در چنین مواردی صرفاً باید تاریخ حقیقی پخش آن برنامه را از روی جزئیات ماجراها گمانه زد. به علاوه فهرست زمان‌ها معمولاً بر اساس جی‌ام‌تی (ساعت گرینویچ) است اما پیش می‌آید که در مواردی، گوینده‌ها به ساعت محلی اشاره می‌کنند. ساعت‌ها در قالب شبانه‌روز بیست و چهار ساعته بیان می‌شد و جی‌ام‌تی بین سه و نیم تا چهار و نیم ساعت عقب‌تر از ساعت تهران بود. برای کمک به خواننده، در این تحقیق زمان‌ها همگی از همدیگر تفکیک و مشخص شده‌اند، که — بنا به اسلوب منبع مورد بحث — گرینویچ بوده یا ساعت محلی.

رقبای اصلی این درام محمدرضا شاه پهلوی بودند و نخست‌وزیرش محمد مصدق. شاه به چشم نیروهای امنیتی بریتانیا و آمریکا آدمی بود ضعیف و بی‌تصمیم که میان عامه هم محبوبیت نداشت؛ جدای این‌ها اما سربسته این حس هم بود که او «جلوه‌ی ثبات و تداوم رهبری» ایران است. (۳) به این تعبیر، او اثری تعیین‌کننده در وحدت‌بخشی به جامعه‌ی ایران داشت اما فاقد قدرتی واقعی بود. محمد مصدق مدافع و طرفدار جنبشی بود که پس از جنگ دوم جهانی به راه افتاده بود و می‌خواست میدان‌های نفتی ایران را ملی کند، میدان‌هایی نفتی که آن زمان بریتانیا اداره‌شان می‌کرد. مصدق در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ نخست‌وزیر شد، کمی بعد از اینکه مجلس ایران رأی به ملی کردن این میادین داد. متعاقبش تحریم نفت ایران از سوی بریتانیا آرام‌آرام شروع کرد به فلج کردن اقتصاد ایران؛ بریتانیا همزمان در پی تدارک مقدمات برای انجام کودتایی در ایران هم بود تا مانع از دست رفتن تأسیسات نفتی‌اش در آبادان شود. بعد از اینکه این تلاش‌ها لو رفت، مصدق روابط با بریتانیا را قطع کرد و همان سال ۱۳۳۰ همگی شهروندان بریتانیا را که ساکن ایران بودند، مجبور کردند این کشور را ترک کنند، اقدامی که نقشه‌های

بریتانیا برای کودتا را دچار وقفه کرد. بریتانیا که حالا دیگر عاملی در ایران نداشت، از آمریکایی‌ها کمک خواست و دولت در راه ایالات متحده، دولت آیزنهاور، را یاری موافق یافت.

کودتا روز ۲۴ مردادماه ۱۳۳۲ شروع شد اما کمابیش درجا ناموفق ماند و شکست خورد. شاه از کشور فرار کرد و برای مدت کوتاهی به نظر آمد مصدق برنده‌ی بازی است. اما کرمیت روزولت، افسر مسوول امور ایران در سی‌آی‌ای، شخصا نقشه‌ی تازه‌ای چید و جمعیت‌هایی از هواداران شاه را به خیابان‌ها آورد و تعادل را آشکارا به نفع شاه به هم زد. شاه برگشت، مصدق دستگیر شد و تا زمان مرگش در اسفندماه ۱۳۴۵ در حبس خانگی ماند. (۴) این‌ها نقاط عطف مهم ماجرایند که بحث و چون و چرایی درشان نیست. اما روایتی که رادیوی آن زمان از ماجرا داد، تفاوت‌هایی دارد.

کمی بعد از ۱۳۳۰ که مذاکرات سه‌جانبه‌ی ایران، بریتانیای کبیر و ایالات متحده برای پایان دادن به بحران نفتی پیش‌آمده به شکست انجامید، توپ بازی کم‌کم رفت توی میدان سرنگون کردن نهایی و قطعی مصدق. نخستین بحث‌ها در مورد کودتا را بریتانیایی‌ها پیش کشیدند، در گفت‌وگوهای منطقه‌ای از پیش برنامه‌ریزی‌شده. آذرماه ۱۳۳۱ در واشنگتن بین سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (اس‌آی‌اس) و مأموران آمریکایی سی‌آی‌ای. در آن برهه سی‌آی‌ای آماده‌ی بحث در مورد این موضوع نبود و در نتیجه قضیه معلق ماند. (۵) متعاقب شکست مذاکرات، سر و کله‌ی قضیه دوباره وقتی پیدا شد که ۴ آوریل ۱۹۵۳ [۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۳۲] جان اف. دالس، وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده به برادرش آلن دبلیو. دالس، رئیس سی‌آی‌ای گفت با کودتا موافق است. رئیس سی‌آی‌ای بعد گرفتن تأیید از رئیس‌جمهور، «بودجه‌ای یک میلیون دلاری را تأیید کرد که پایگاه تهران اجازه داشت به هر طریقی صرفش کند که موجب سقوط» مصدق بشود. (۶)

توطئه‌چین‌ها تصمیم گرفتند کارشان را با تبلیغات شروع کنند، تبلیغاتی که سویه‌ی حمله به مصدق داشتند. واحد هنری سی‌آی‌ای برنامه ریخت مجموعه‌ای کاریکاتور از مصدق آماده کند تا مأموران این سازمان در ایران پخششان کنند. (۷) سی‌آی‌ای همچنین برنامه‌ریزی کرد اسنادی

جعلی از ارتباط مصدق با حزب کمونیست ایران، توده، منتشر کند. همزمان قرار بود به واسطه ی تبلیغاتی مخفی و پوشیده، حزب توده را هم به این نتیجه برسانند که از مصدق حمایت نکند. (۸) وجهی دیگر از نقشه تشویق کسبه ی بازار بود به پشتیبانی از کودتا. این کار سختی نبود چون بازاریان داشتند بابت تحریم بریتانیا ضرر اقتصادی می دادند. (۹) مطابق نقشه بنا بود کمی قبل از کودتا حملاتی هم علیه رهبران مذهبی ایران صورت بگیرد و بابت قضیه ی مصدق سرزنش شوند. قرار بود مردم تحریک و ترغیب به راهپیمایی های گسترده شوند و از حربه ی بست نشستن در محوطه ی مجلس هم برای فشار آوردن به دولت بهره بگیرند. این جرقه ی کودتا بود. (۱۰)

بعد تأیید این نقشه، توطئه چین ها درجا شروع کردند به پخش کردن پول و تبلیغاتی همسو با برنامه ی اطلاعاتی مخفی ایالات متحده که سازمان اطلاعات آمریکا مجری اش بود. (۱۱) به علاوه سی آی ای مقالاتی هم در روزنامه ها و مجلات برجسته ی آمریکایی منتشر کرد که مفصل و پر جزئیات، تأثیر و نفوذ فزاینده ی کمونیست ها در ایران را شرح می دادند. این مقالات در ایران ترجمه و بازنشر شدند، به «برانگیختن جنگی روانی» علیه مصدق کمک کردند و به کارزار تبلیغاتی و کودتای آمریکایی ها هم مشروعیت بخشیدند. (۱۲)

مطبوعات خریداری شده برای موفقیت نقشه مهم بودند، اما باید این نکته را درک کرد که ایران آن زمان به لحاظ ایدئولوژیک محیط رسانه ای پیچیده ای بود. طیف طرفداران مصدق مطبوعات همسو با خودشان را داشتند و این مطبوعات به واسطه ی برنامه های ارائه ی چکیده ای از مطالب مطبوعات در رادیو تهران و دیگر شبکه های محلی پشتیبانی هم می شدند. همه ی این شبکه ها را دولت مصدق می گرداند. همچنین نیروهای شوروی و پایگاه مخفی شان در آذربایجان نیز عموماً حامی مصدق بودند در برابر غرب. از آن سو روزنامه های پرتعدادی هم بودند که نواهای ضد مصدقی می پراکندند، از جمله همان پیام هایی را که پایگاه سی آی ای در تهران می ساخت و می خواست به مردم منتقل شوند. این پیام ها در قالب جزوه و پلی کپی هم پخش می شدند اما طنین اثرگذار رادیو را برای حمایت از آنها نداشتند. تأکید سی آی ای روی مایه هایی بود چون

«مصدق طرفدار حزب توده است»، اینکه او «دشمن اسلام» است، اینکه دارد «به عمد روحیه ی ارتش را خراب می کند»، و اینکه دارد به عمد «به رشد جنبش های جدایی طلب منطقه ای کمک می کند». (۱۳) همچنین تلاش داشتند از مصدق تصویر «قربانی غافل مشاوران بی ملاحظه و جاه طلبش» را به دست بدهند. (۱۴)

همزمان در تابستان ۱۳۳۲، رادیو آذربایجان، که اف بی آی اس آن را شبکه ی دموکرات آذربایجان می خواند، سفیر آمریکا را متهم به همکاری با سرلشکر فضل الله زاهدی و دیگران به قصد برانگیختن و انجام کودتا کرد. شبکه ی دموکرات آذربایجان ایستگاه رادیویی غیرقانونی ای بود که نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از باکو می گرداندندش اما ادای این را می آمد که در ایران است و حامی جنبش ملی گرایانه ی آذربایجان بود. این شبکه گفت «این عوامل می خواهند کودتای نظامی بکنند تا دولت مصدق را برچینند و دولتی تازه برپا کنند، از جمله ی کسانی هم که در این نقشه دخیلند، فاشیست هایی آلمانی اند که اکنون به خدمت آمریکایی ها درآمده اند.» (۱۵) ده هفته بعدترش شبکه ی دموکرات آذربایجان شاه را به «همکاری با امپریالیست های آمریکایی» برای انجام کودتا متهم کرد.

دی ماه ۱۳۳۱ مصدق اختیاراتی مازاد به دست آورد برای قانونگذاری و اجرای لوایح پیش از تصویب مجلس. سی آی ای این دستاورد مصدق را «حق قانونی حکومت» بر کشور خواند، حقی که او را تا حد زیادی مستقل از همه چیز می کرد. (۱۶) به رغم این ها اما در طول همان برهه جبهه ملی، حزب مصدق، مدام انشعاب می کرد. تابستان که شد، آیت الله کاشانی، حامی پیشین مصدق، هم از این جنبش برید و مجلس هم گرفتار آشوب شد، آشوبی که شامل گلاویز شدن هایی در صحن علنی هم بود. شبکه ی دموکرات آذربایجان روز ۷ تیرماه ۱۳۳۲ مجلس را «صحن عمومی برای نعره های مستانه» خواند و مایه هایی ضد شاه آمد و علنا گفت «ضربات پیکارگران ایرانی اکنون دارد سلطنت را تهدید به نابودی می کند.» (۱۷) شبکه ای رادیویی که اف بی آی اس از آن با عنوان «سرویس داخلی تهران» یاد می کند، احتمالاً رادیو تهران، اعلام کرد هر حرکتی علیه مصدق، پشتیبانی از قدرت های استعماری خواهد بود. این شبکه همچنین اعلام

کرد شوروی خواستار همسویی مصدق با این کشور شده. (۱۸) آناتولی لاورنتی‌یف، سفیر شوروی، خبر از گفت‌وگوهایی مداوم با ایران داد درباره ی «رویاری با نفوذ و تأثیر آمریکا در ایران» و عادی‌سازی روابط میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران. (۱۹) رادیو تهران روز ۱۲ تیرماه گزارش داد دکتر معظمی به جای آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شده. این ماجرا را نشانه ی پیروزی مصدق می‌خواندند. رادیو آذربایجان خلع‌ید از کاشانی را ستود و بعدتر شاه و ایالات متحده را متهم کرد به تحریک ایل بختیاری برای کمک به شاه در انجام یک کودتای نظامی. (۲۰) همزمان رادیو تهران گزارش داد صد نفر به ستاد سلطنت‌طلبان در تهران حمله کرده‌اند. (۲۱) این شبکه همچنین آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها را متهم کرد به برانگیختن ناآرامی‌های اجتماعی در سراسر کشور و همکاری با شاه برای انجام کودتای نظامی. (۲۲) این مایه‌ها و نواها کمابیش تا زمان وقوع کودتای واقعی ادامه داشت.

همسو با این نواها در مورد کودتا، سرویس خاور نزدیک شوروی روز ۱۶ تیرماه گزارشی پخش کرد با عنوان «مبارزه ی ایرانیان با استثمار انگلیسی - آمریکایی» که چهره‌های پرنفوذ آمریکایی در حوزه ی نفت را متهم می‌کرد به دمیدن بر آتش بحران. در سرتاسر این دوره، هم شبکه ی رادیویی رسمی شوروی و هم شبکه ی پوششی‌شان، رادیو آذربایجان، حمله می‌کردند به کمک‌های خارجی ایالات متحده در سرتاسر دنیا و همچنین تلاش‌هایش برای دستیابی به معاهدات امنیتی منطقه‌ای. در این مورد، کمک آمریکا را ادایی خواندند به قصد «دست‌درازی به نفت ایران». (۲۳) رادیوهای شوروی مکررا به مباحثی تفرقه‌افکنانه می‌پرداختند، به این قصد که ایران را از غرب سوا کنند و جلوی شکل‌گیری ائتلافی علیه اتحاد جماهیر شوروی را بگیرند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - Stephen C. Poulson, *Social Movements in Twentieth-Century Iran* (Lanham, MD, 2005), 164.

Kalev Leetaru, The Scope of FBIS and BBC Open-Source Media Coverage, 1979–2008, <https://www.cia.gov/library/center-for-the-study-of-intelligence/csi-publications/csi-studies/studies/volume-54-number-1/PDFs-Vol.-54-No.1/U-%20Studies%2054no1-FBIS-BBC-Coverage-Web.pdf> (accessed 12 December 2011)

H.W. Brands, *Inside the Cold War: Loy Henderson and the Rise of the American Empire, 1918–1961* (Oxford, 1991), 235

Mark Gasiorowski, “The 1953 Coup d’Etat Against Mosaddeq,” in *Mohammad Mosaddeq and the 1953 Coup in Iran* (Syracuse, NY, 2004), 227–60

Donald Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, November 1952–August 1953* (Washington, DC, March 1954), 1, <http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB28/index.html> (accessed 1 May 2011)

.Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, 3

.Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, 9

Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, Appendix A: 7, 12–13

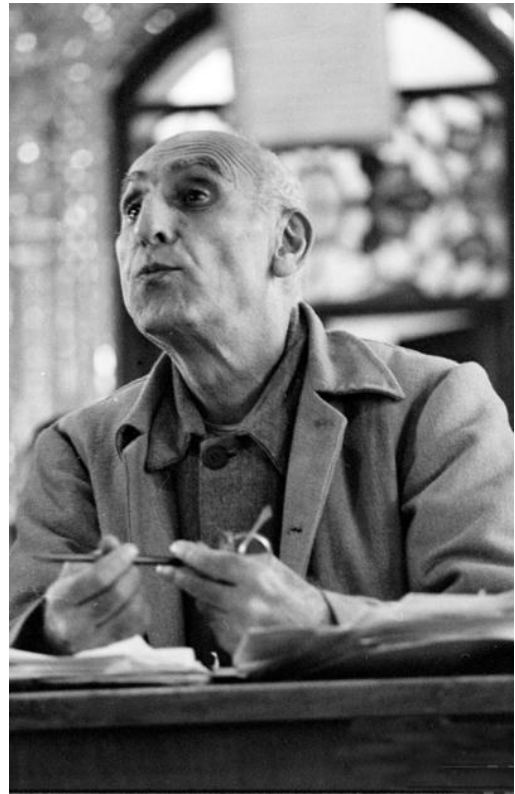
.Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, Appendix B: 22

Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, Appendix B: 20–24

.Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, 12–17

.Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, x

- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, Appendix B: 16 –۱۳
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, Appendix B: 17 –۱۴
- Memo extract concerning Clandestine Radio Azarbaijan –۱۵
 (presumably ADS),
<http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB78/propaganda%200100.pdf> (accessed 1 May 2011)
- Probable Developments in Iran through 1953, National Intelligence Estimate 75,” 6, <http://www.foia.cia.gov/docs/document0000014050> (accessed 10 March 2011)
- Foreign Broadcast Information Service (FBIS), Daily Report, vol. 127–47 (Washington, DC, 1953), 1 July 1953, CC-8-11
- .FBIS, Daily Report, QQ-2 –۱۸
- .FBIS, Daily Report, QQ-1,4 –۱۹
- .FBIS, Daily Report, 7 July 1953, CC-2 –۲۰
- .FBIS, Daily Report, QQ-2 –۲۱
- .FBIS, Daily Report –۲۲
- .FBIS, Daily Report, 8 July 1953, CC-5,6۲۳–



روز ۱۸ تیرماه، رادیو تهران اعلام کرد مجلس برای بحث در مورد قانون حکومت نظامی در تهران و خوزستان تشکیل جلسه داده. بعدها کاردار ایالات متحده، گوردون اچ. متیسن، این را بخشی خواند از دستور جلسه‌ای جامع‌تر به قصد ارباب مطبوعات و «حمله و بردن دستگاه‌های چاپ [روزنامه‌های] مخالفان».(۱) همزمان روزنامه‌های ایران، چنان که در برنامه‌ی سرخط خبرهای مطبوعات روزانه‌ی رادیو تهران هم بازتاب یافت، تأکید کردند در پشتیبانی از مصدق متحدند. روزنامه‌هایی که برای برنامه‌ی سرخط خبرها انتخاب می‌شدند، معمولاً همگی حامی مصدق بودند. مصدق تصمیم گرفت مجلس را در مردادماه تعطیل و ضمناً دسترسی روزنامه‌نگارهای بدون مجوز را هم به مجلس محدود کند. همان روز، شرکت ملی نفت ایران فراخوانی منتشر کرد خطاب به صادرکنندگان نفت برای همکاری با این شرکت در صادرات نفت و وعده‌ی تسهیل در روند اداری برای همه‌ی داوطلبان داد.(۲) به نظر می‌آید دولت به این نتیجه رسیده بود که در مواجهه با تحریم نفتی به رهبری بریتانیا، نیاز به افزایش صادرات نفتش دارد. همزمان رادیو تهران به ضیافتی اشاره کرد که برای وابسته‌های نظامی خارجی حاضر

در تهران برگزار شده بود اما فقط گفته‌های وابسته‌ی نظامی شوروی را در مورد روابط میان دو کشور بازتاب داد. بعدتر گزارشی به نقل از مقاله‌ای در روزنامه‌ی «پراودا»ی شوروی به ایالات متحده بابت اقداماتش در کره حمله کرد.^(۳) در دوره‌ی مورد بررسی این پژوهش، این اولین نمونه‌ی استفاده‌ی رادیو تهران از منابع روسی برای حمله به آمریکا است.

همزمان، ایالات متحده هم تلاش‌هایش را برای ساختن تصویر یک کمونیست از مصدق افزایش داد. این کار را از طریق چاپ نوشته‌هایی با این مضمون در مطبوعات آمریکایی انجام می‌دادند، به این امید که مطبوعات ایران از آن‌ها استفاده کنند. یک نمونه نامه‌ی آیزنهاور به مصدق در تاریخ ۸ تیرماه است که درخواست کمک ۷ خردادماه ایران از آمریکا را رد می‌کند. این نامه متعاقب جلسه‌ی مطبوعاتی روز ۷ تیرماه جان دالس، وزیر امور خارجه بود که می‌گفت «فعالیت‌های روزافزون حزب غیرقانونی کمونیست ایران» باعث نگرانی کشورش شده.^(۴) هر دوی این ماجراها پوشش خبری وسیعی در شبکه‌های تلویزیونی عمومی از جمله «صدای آمریکا» داشتند. نامه‌ی آیزنهاور روز ۱۸ تیرماه توجهات بسیاری در ایران کسب کرد، وقتی روزنامه‌ی «تاج» نوشت این نامه «سایه‌هایی سیاه» بر روابط میان ایران و آمریکا می‌افکند.^(۵) در اشاراتی بعدتر به نامه‌ی آیزنهاور، رادیو تهران با لحنی که به نظر بی‌اعتنا می‌آمد، گفت ایران انبوهی دارایی‌های معدنی دارد و «ما هیچ نیازی به کمک هیچ کسی نداریم.»^(۶)

رادیو تهران هر دم فزاینده‌تر آشوب‌ها و بی‌نظمی مجلس را پوشش می‌داد، پوششی که در گزارش روز ۲۱ تیرماه در مورد نقشه‌ی قتل مصدق به اوجش رسید. روز قبلش کسانی از مخالفان به این اتهام که سیاست خارجی مصدق شکست به بار آورده، درخواست استیضاح نخست‌وزیر کرده بودند.^(۷) مطابق این روند، از مقامی دولتی در مورد یک سیاست توضیح می‌خواستند و قضیه می‌توانست نهایتاً به رأی عدم اعتماد منجر شود. بنا به مقررات مجلس، مصدق باید در مورد این قضیه شخصاً پاسخ می‌داد. بحث رادیو تهران این بود که درخواست از مصدق برای اینکه شخصاً برود حرف بزند، حيله‌ای بود که او را بکشاند توی ساختمان مجلس تا بعد آدمکش‌هایی به مصدق حمله کنند و او را بکشند.^(۸) روز ۲۲ تیرماه، رادیو تهران سربسته

اشاراتی به انشعابات دوباره در جبهه ی ملی کرد و به نقل از «نامه ی اراک» گفت مخالفان مصدق دارند «اشتباه بزرگی می کنند که فکر می کنند پشت ایجاد و تشکیل جبهه ی ملی خودشان بوده اند.» (۹) به نظر می آید این حمله ای در لفافه به کاشانی بوده که هفته ی قبلش از جایگاه رهبری این جبهه برکنار شده بود.

در این روند، روز حساس ۴ تیرماه بود که رادیو تهران از استعفای دسته جمعی اعضای جبهه ی ملی از نمایندگی مجلس خبر داد و متعاقبش مصدق هم مجلس را به دلیل حملات مخالفان تحریم کرد. این اقدامات قوه ی قانونگذاری را فلج کرد و بحران قانون اساسی به وجود آورد. در طول این دوره، لحن اعلامیه ها و بیانیه هایی که در مطبوعات منتشر می شدند، در طرفداری از مصدق مبالغه آمیزتر شد و کم کم شروع کردند از او با عنوان «رهبر بزرگ» یاد کردن. آن روز «نیروی سوم»، روزنامه ی حزب زحمتکشان (کمونیست های غیرتوده ای) به مخالفان مصدق حمله کرد و آن ها را نوکران بریتانیا خواند؛ همزمان رادیو تهران با نقل از سرمقاله ی روزنامه ی «باختر امروز» پرسش ها و تردیدهایی در مورد رابطه ایالات متحده و ایران متعاقب نامه ی آیزنهاور پیش کشید. (۱۰) سردبیر این روزنامه، وزیر امور خارجه ایران بود، حسین فاطمی.

رادیو تهران شروع کرد به پخش برنامه هایی با این مضمون که «مشروعیت حکومت از ملت می آید و ملت بالاتر از هر قدرتی است. خواسته های دکتر مصدق اراده ی ملت اند» و دولت را خلاصه و مجسم کرد در یک نفر. (۱۱) روز ۵ تیرماه، قانون اساسی و حکومت قانون را دست انداخت و گفت «همه ی آن هایی که می گویند فلان چیز یا بهمان چیز خلاف قانون اساسی است، باید بدانند که خود قانون اساسی ماحصل ملت است.» (۱۲) لحن گوینده بی اعتنا و تحقیرآمیز بود و بحث می کرد که لازم است قانون اساسی مدرن و به روز شود. اما مقام های دولت به عوض اینکه برای حل و فصل ماجرا صلاهی یک هیات تدوین قانون اساسی بدهند، گفتند باید مجلس منحل بشود تا کل قدرت بیافتد دست «رهبر ملت ایران». (۱۳) یادداشت یکی از دبیران اف بی آی اس و همچنین اعلامیه رئیس مجلس، معظمی، توضیح می دادند که استعفا از مجلس ذیل ماده ی ۲۱۴ قانون مجلس قرار می گیرد که می گوید متن استعفا باید در صحن و

در پیشگاه نمایندگان قرائت شود. بعد هم جانشینش باید یا به واسطه ی انتخابات عمومی یا انتصاب مجلس مشخص شود. اما چون نماینده های جبهه ی ملی دسته جمعی گذاشته بودند رفته بودند، مجلس حد نصابش را از دست داده بود و نمی توانست جلسه ای تشکیل بدهد. در نتیجه استعفاها رسمی نبودند و همین دولت را در وضعیت برزخ گونی برد. (۱۴)

جالب است که بعد افشای کودتا، نقشه ی سی آی ای رفت به این سمت که جلوی حزب توده را در برگزاری راهپیمایی به حمایت از مصدق بگیرد. این نقشه می گفت: «پخش گسترده ی جزوه هایی جعلی که مثلا کمیته ی مرکزی حزب منتشرشان کرده، باعث گیج شدن توده ای ها خواهد شد و جلوی جمع شدنشان را به شکلی که اثرگذار باشد، خواهد گرفت.» (۱۵) از متون اف بی آی اس برمی آید که پیامها قرار بوده غیرمستقیم و از طریق شبکه ی رادیویی کشور سومی منتقل شود. به نظر می آید این اتفاق وقتی محقق شد که رادیو عرب بیروت، متعلق به اف بی آی اس، که برای کشورهای خاور نزدیک پخش می شد، روز ۲۹ تیرماه اعلام کرد رهبری حزب توده به اعضا گفته در تظاهرات فردای میدان بهارستان شرکت نکنند. دلیلش هم این بود که مصدق دارد «آماده ی قتل عام جوانان ایرانی می شود» و برای همین بود که در ادامه کمیته ی مرکزی حزب توده حمله می کرد به مصدق، که تسلیم «دخالت های انگلیسی ها و آمریکایی ها» شده. (۱۶) اسناد داخلی حزب توده اشاره به واقعیتی یکسر متضاد دارند؛ حزب فعالانه از تظاهرات و شرکت انبوه در آن حمایت کرده بود. دستورات حزب توده برای برهه ی زمانی ۱۰ تا ۲۶ تیرماه ۱۳۳۲ به هوادارانش یادآور می شد که «حزب برنامه ی برگزاری راهپیمایی هایی در تمام نقاط تهران در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۲ دارد» و اعضا را ترغیب می کرد به مطمئن کردن بقیه که رهبری حزب دارد راهپیمایی ها را برگزار می کند. (۱۷) این نشان می دهد به رغم تلاشها، نقشه ی سی آی ای در این مورد ناموفق بود.

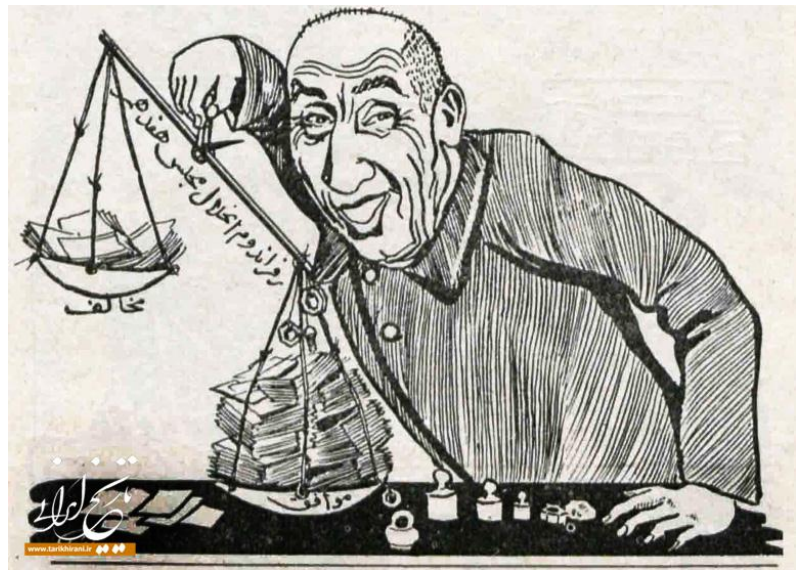
همچنین به اعضای حزب توده اعلام شده بود در «چهارمین دوره ی جشنواره ی جهانی جوانان و دانشجویان پی جوی صلح و دوستی» که قرار بود ماه آینده در بخارست رومانی برگزار شود، ۳۵۰ جایگاه به اعضای از حزب که تمایل به شرکت داشته باشند، اختصاص داده شده. حزب

توده تلاش‌هایی برای گرفتن ویزاهای اعضایش هم می‌کرد. (۱۸) رادیو آذربایجان هم حامی این اتفاق بود که می‌گفت «انجمن جوانان آذربایجان» حامی تام و تمام جنبش ضد امپریالیستی ایران است و به مصدق فشار می‌آورد به اعضای از حزب که تمایل به شرکت در جشنوارهٔ جوانان در رومانی دارند، گذرنامه بدهد. آن‌ها ناکامی مصدق در صدور گذرنامه تا آن زمان را «اقدام مرتجعانه» می‌خواندند. (۱۹) نهایتاً بعد انحلال مجلس، مصدق چهل گذرنامه را تأیید کرد. اگرچه نه حزب توده و نه رادیو آذربایجان از حمله به مصدق باکی نداشتند، اما در فشار آوردن به او در دفاع از قضایایی که برایشان مهم بود، هم‌آوا بودند. تأیید نهایی گذرنامه‌ها سندی برای این تصور بود که مصدق وامدار کمونیست‌ها است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. US Department of State, Foreign Relations of the United States (FRUS), Iran, vol. X, 1952–1954 (Washington, DC, 1989), The Chargé in Iran (Mattison) to the Department of State, 12 Aug 1953, 742; FBIS, Daily Report, 9 July 1953, QQ-1
۲. FBIS, Daily Report, 9 July 1953, QQ-2
۳. FBIS, Daily Report, QQ-3
۴. Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, ix
۵. FBIS, Daily Report, vol. 127–47, 10 July 1953, QQ-4
۶. FBIS, Daily Report, 14 July 1953, QQ-6
۷. FBIS, Daily Report, 13 July 1953, QQ-3
۸. FBIS, Daily Report, 13 July 1953, QQ-2

- .FBIS, Daily Report, QQ-3 .9
- .FBIS, Daily Report, 15 July 1953, QQ-2-4 .10
- .FBIS, Daily Report, vol. 127-47, 17 July 1953, QQ-1,3 .11
- .FBIS, Daily Report, QQ-3 .12
- .FBIS, Daily Report, 16 July 1953, QQ-4 .13
- .FBIS, Daily Report, 20 July 1953, QQ-2 .14
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, Appendix B: 13 .15
- .FBIS, Daily Report, vol. 127-47, 21 July 1953, QQ-5 .16
- Tudeh Party Weekly Instructions," ".17
[_http://www.foia.cia.gov/docs/DOC_0001380958/DOC_0001380958.pdf](http://www.foia.cia.gov/docs/DOC_0001380958/DOC_0001380958.pdf) (accessed 1 May 2011), 1.0001380958
- .Tudeh Party Weekly Instructions," 3" .18
- .FBIS, Daily Report, vol. 127-47, 10 July 1953, CC-12 .19



کارتون مجله اطلاعات هفتگی درباره
رفراندوم انحلال مجلس

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۲ راهپیمایی‌هایی در گرامیداشت سالگرد عقیم ماندن تلاش برای خلع مصدق از قدرت در سال قبلش برگزار شد. گروه‌های بسیاری از جبهه‌ی ملی در این راهپیمایی‌ها شرکت داشتند. چنان‌که اشاره شد، به رغم تلاش‌های سی‌آی‌ای، اعضای حزب توده نقش برجسته‌ای در این راهپیمایی‌ها داشتند. مصدق دریافت مجلس در وضعیت آچمز است و صلا‌ی برگزاری همه‌پرسی برای انحلال آن را داد. در سخنرانی‌ای به مناسبت سالگرد بلواهای تیرماه ۱۳۳۱، کوشید ملت را همسو با این هدف بسیج کند. اف‌بی‌آی اس روز ۵ مرداد ماه گزارش داد رادیو تهران سخنرانی مصدق را پخش کرده که صلا‌ی همه‌پرسی برای تأیید انحلال مجلس داده، مجلسی که او بهش برچسب قانون «فعالیت‌های خرابکارانه» زد. (۱) مصدق اعتنایی به مساله‌ی حقوقی داشتن یا نداشتن حق برگزاری همه‌پرسی نکرد و گفت: «ملت ایران است که قانون اساسی را درست کرد و قوانین برای مردم ساخته شده‌اند. به موجب این کار از مردم خواسته می‌شود نظرشان را بگویند.» (۲) «باختر امروز» به رغم گرایش معمولاً هوادارانه‌اش نسبت به مصدق، روز ۳ مرداد ماه به بحران قانونی موجود اشاره کرد و نوشت: «در عین حال انحلال مجلس هم به تصریح ماده‌ی ۴۸ قانون اساسی، در غیاب مجلس سنا ناممکن است.» (۳) با این حال اما «باختر امروز» مصدق را دعوت به منحل کردن مجلس کرد. روز ۶ مرداد ماه عموم

مطبوعات به پشتیبانی از مصدق به صف شدند. دست کم بنا به گزارش رادیو تهران، «شجاعت» (متعلق به حزب توده)، «نیروی سوم»، «جبهه ی آزادی» و مجله ی «فردوسی» همگی سرمقاله‌هایی در حمایت از مصدق منتشر کردند. (۴) «نیروی سوم» سرمقاله‌ای داشت که به ملی‌گرایی متوسل می‌شد و می‌گفت «مردم ایران با شرکت در همه‌پرسی، پاسخ مثبتی به دکتر مصدق خواهند داد.» (۵) همزمان سردبیران اف‌بی‌آی اس اشاره می‌کردند رادیو تهران خیلی ناگهانی پخش موسیقی عامه‌پسند غربی را هم متوقف کرده، اقدامی که نشان از جدا کردن بیشتر مسیر از غرب داشت.

روز ۹ مرداد ماه، رادیو تهران مؤکداً از شنوندگانش خواست در همه‌پرسی پیش‌رو رأی بدهند، مجلس را به باد انتقاد گرفت و آن‌هایی را که «ادای موافقت» با قانون اساسی موجود درمی‌آورند، دست انداخت. (۶) این شبکه همچنین اعلام کرد رأی‌گیری در تهران در روز ۱۲ مرداد ماه و در شهرستان‌ها در روز ۱۹ مرداد ماه برگزار خواهد شد. (۷) مصدق ادعا کرد نمی‌شود انتخابات را در همه‌جا برگزار کرد و بنابراین مناطق روستایی از شمول انتخابات خارج شدند، «علی‌الظاهر به این دلیل که شمارش آرای مناطق دوردست خیلی طول خواهد کشید.» (۸) این اقدام بسیاری از کسانی را که انتظار می‌رفت علیه خواست مصدق رأی بدهند، از دایره ی رأی‌دهندگان بیرون گذاشت. مطلقاً هیچ تردیدی در نتایج نبود و با مرور متون پیاده شده ی برنامه‌های شبکه‌های رادیویی ایران، به وضوح مشخص است انتظار می‌رفته شنوندگانش در حمایت از موضع مصدق رأی بدهند.

در تهران رأی‌گیری روز ۱۲ مرداد ماه برگزار شد و رادیو تهران خبر از جمعیت‌هایی عظیم داد که برای رأی به انحلال مجلس به حوزه‌ها می‌آمدند و گفت: «ساکنان تهران در آرامش کامل، انداختن رأی‌های تأیید انحلال را به درون صندوق‌ها آغاز کردند.» (۹) این شبکه از فقط ۶۸ رأی در مخالفت با پیشنهاد انحلال خبر داد و اشاره کرد جایگاه‌هایی مجزا برای انداختن رأی‌های «آری» یا «نه» اختصاص داده شده. دادن رأی مخفی مجاز نبود. در اصل فقط سه ساعت برای رأی‌گیری در نظر گرفته بودند، اما زمان برای مدتی بیشتر تمدید شد. رادیو تهران سراسر روز

را شعارها و موسیقی ضد استعماری پخش کرد، به این قصد که مردم را روانه ی دادن رأی «آری» کند. به علاوه، این شبکه به تلاش‌ها برای دادن چهره‌ای ضد اسلامی به این همه‌پرسی هم حمله می‌کرد، حملاتی که به نظر می‌آید هدفشان مقابله با تبلیغات سی‌آی‌ای در سطح جامعه بوده. اعلام حمایت مطبوعاتی گسترده از همه‌پرسی هم کردند، اینکه طیف وسیعی از روزنامه‌ها و مجلات نماینده ی دیدگاه جبهه ی ملی‌اند. (۱۰) فردایش رادیو تهران شروع کرد به گزارش نتایج همه‌پرسی. در تهران بیش از ۱۰۱۴۰۰ رأی داده شده بود که از میانشان فقط ۶۸ نفر رأی «نه» به صندوق ریخته بودند. رادیو ایران اعلام کرد «مردم ایران دیگر اجازه نخواهند داد دولت تحت سلطه ی اوباش، جنایتکاران و خائنان به ایران باشد.» (۱۱)

در چهل و نهمین سالروز قانون مشروطیت، مصدق در سخنرانی‌ای که از طریق رادیو پخش می‌شد، خطاب به ملت اعلام کرد باید کشور را از شر نفوذ خارجی‌ها خلاص کرد و به مردم بابت رأی‌شان به کنار زدن مجلس تبریک گفت. در ادامه گفت همه‌پرسی مقدمات را برای «حکومت مردم بر مردم» فراهم آورده. (۱۲) همان روز مطبوعات به دیدار ژنرال آمریکایی، نورمن شوارتسکف پدر، از ایران اشاره کردند و گمانه‌هایی در مورد دلایل دیدار کوتاهش با شاه زدند. ژنرال شوارتسکف در طول دهه ی ۱۳۲۰ مسوول آموزش به نیروهای ژاندارمری ایران و با شاه آشنا بود. «باختر امروز» پرسید: «مأموریت این ژنرال آمریکایی چیست؟» (۱۳) مطبوعات با اشاره به بدنامی شوارتسکف این بحث را پیش کشیدند که شاه اگر کماکان بخواهد از این بازی‌ها بکند، جان به در نخواهد برد. اشاره می‌کردند که این دیدار حتما در راستای منافع بریتانیا است؛ نتیجه می‌گرفتند: «آمدن او به ایران نمی‌تواند بی‌هیچ دلیل خاصی بوده باشد و نبوده.» (۱۴) این همان روزی بود که شوارتسکف شاه را دید و به او اصرار کرد در هماهنگی با نقشه ی سی‌آی‌ای، فرمان برکناری مصدق را بدهد.

روز ۱۵ مرداد ماه، رادیو تهران گزارشی پخش کرد با عنوان «مصدق جلوی سوءاستفاده از قانون را می‌گیرد» و او را یک بار دیگر «رهبر بزرگ مصدق» خواند. (۱۵) این شبکه مردم شهرهای دورافتاده را به پیروی از الگوی تهرانی‌ها در دادن رأی «آری» در همه‌پرسی ترغیب می‌کرد و

گفت: «بی شک نتایج همه‌پرسی در دیگر شهرهای ایران نیز مشابه تهران خواهد بود.» (۱۶) رادیو تهران در ادامه ی تلاش‌هایش برای مقابله با تبلیغات سی‌آی‌ای بر محور ضد اسلامی بودن همه‌پرسی، اعلام کرد که آیت‌الله رضا کلباسی روز ۱۵ مرداد ماه پیامی برای وزیر تبلیغات دولت فرستاده و در آن گفته چون تشکیل مجلس فعلی باعث اختلال در امور کشور و مذهب خواهد بود و پیروزی بر استعمارگران را بی‌اثر خواهد کرد، «همه ی مسلمانان باید رأی به انحلالش بدهند.» (۱۷) حجت‌الاسلام صدر طباطبایی، از عالمان دینی اصفهان هم پیام مشابهی داد و خواهان «انحلال فوری مجلس هفدهم» شد. (۱۸) رادیو تهران مقابله با تبلیغات منفی را در گزارشی با عنوان «مخالفان تدارکاتچی تبلیغات بی‌بی‌سی شده‌اند» ادامه داد و در آن بی‌بی‌سی را به تکرار حرف‌های «مزدوران و جدایی طلبانی» متهم کرد که علیه همه‌پرسی فعالیت می‌کنند. (۱۹) در دومین روز رأی‌گیری، رادیو تبریز مردم را ترغیب کرد برگه‌های رأی‌شان را بر پایه ی مفهوم حاکمیت مردم به صندوق‌ها بریزند. این شبکه اشاره کرد دولت «ده کامیون فراهم کرده برای استفاده مردم مناطق دوردستی که می‌خواهند به مراکز رأی‌گیری بروند و رأی به انحلال مجلس بدهند و بدین ترتیب وظیفه ی ملی‌شان را ادا کنند.» (۲۰) هیچ اشاره‌ای به کمک به کسانی نشد که مایل بودند علیه این پیشنهاد رأی بدهند. این شبکه از مضامین ملی‌گرایانه استفاده می‌کرد، مصدق را می‌ستود و او را به تاریخ شکوهمند شش هزار ساله ی تمدن ایران گره می‌زد. به شنوندگان گفته می‌شد رأی مثبت «عظمت شما را به دنیا نشان خواهد داد.» (۲۱)

روز قبلش شبکه ی گُردی ایران با رویکردی تأییدآمیز خبر از بیانیه ی روس‌ها داده بود مبنی بر اینکه شوروی در پی رفع مسایل و مشکلات مرزیش با ایران است. آن‌ها ضمناً قصد توسعه ی روابط با ایران را هم داشتند. رادیو تهران اعلام کرد نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی و ایران دیداری در تهران خواهند داشت تا «کلیه ی اختلافاتشان در زمینه ی مسایل مالی، مرزی و امثال این‌ها را حل و فصل کنند.» (۲۲) این خبر فردای آن روز هم تکرار شد، به همراه گزارشی از دعوت روس‌ها از شاه برای دیدار از مسکو. هفته‌نامه ی «تهران مصور» ادعا کرد این پیشنهاد روز ۱۰ مرداد ماه و از طریق سفیر جدیدالورود شوروی داده شده. (۲۳) رادیو بیروت هم

گزارش‌هایی پخش کرد که سفیر شوروی روز ۱۷ مرداد ماه دیداری بی‌سابقه با ملکه ی ایران داشته و همزمان رادیو تهران اشاره کرد سفیر ایران در واشنگتن ادعاها مبنی بر اتحاد و همراهی مصدق با کمونیست‌ها را تکذیب کرده. این تکذیب در واکنش به سخنرانی آیزنهاور بود و اقدامات تبلیغاتی مخفی و ادامه‌داری که مطبوعات آمریکا پیش می‌بردند. وسط این گیرودار، روز ۱۹ مرداد ماه، رادیو تهران نتایج رأی‌گیری در دیگر شهرها را هم اعلام کرد:

شهر..... آری..... نه

تبریز.....۴۱۵۰۲..... ۳

اصفهان.....۴۳۵۰۵..... ۱۱

اهواز.....۲۲۷۷۱..... ۲

مشهد.....۲۶۵۴۷.....۹(۲۴)

لوی هندرسون، سفیر ایالات متحده در ایران، می‌خواست امکان تکذیب اطلاعات را از کودتا حفظ کند و بنابراین تا زمان پایان یافتن عملیات بیرون از خاک ایران ماند. در غیاب هندرسون، گوردون هنری متیسن سمت کاردار سفارت را در ایران داشت. روز ۲۱ مرداد ماه، او به واشنگتن اطلاع داد همه‌پرسی انحلال مجلس بیشتر از ۹۸ درصد رأی موافق گرفته. به گفته ی متیسن، نخست‌وزیر «با استفاده از فنون غوغاسالاری، پیوسته و با آهنگی مداوم به سوی تمامیت‌خواهی حرکت کرده» بود «تا زمام قدرت را در دست نگه دارد» و شاه را کنار بزند. (۲۵) متیسن اشاره کرد به پشتیبانی از این خواست، شهربانی هم چاپخانه‌های مطبوعات ضد مصدق را گرفته، اقدامی که همراه با کنار زدن مجلس، «واپسین امکان باقی‌مانده برای مخالفان» مصدق را از بین برد. (۲۶) متیسن هراس داشت که چون مصدق ساختاری حسابی برای پایه ریختن «حکومت تمامیت‌خواهش» دارد، ممکن است عوضش با توده‌ای‌ها همکاری کند و از تشکیلات آن‌ها بهره بگیرد. (۲۷) از نشانه‌های این رو کردن به شوروی، تأیید ویزای خروج اعضای حزب توده بود برای شرکت در جشنواره ی جوانان در بخارست. مصدق کل قدرتی را که داشت، برای صدور

همه ی این ویزاهای خروج به کار گرفت و به گفته ی متیسن، صدور این ویزاها پایگاه مصدق را میان غیرکمونیست‌های همراه با جنبشش از بین برد. (۲۸) در نتیجه اگرچه دولت ایالات متحده در خفا مشغول پیشبرد برنامه‌ای برای مجاب کردن مردم به همدستی مصدق با کمونیست‌ها بود، اما خود مقام‌های دولت آمریکا هم واقعا معتقد بودند چنین همدستی‌ای حقیقت دارد. رفتارها و اقدامات مصدق طی دو ماه گذشته‌اش هیچ کمکی به سست کردن این اعتقاد نمی‌کردند. در پرتو نشانه‌هایی مداوم از این ارتباط، تحلیلگران واشنگتن در سرتاسر این دوره این مدعا را قبول داشتند.

متعاقب رأی‌گیری، حسین فاطمی، وزیر امور خارجه ی ایران، در سخنرانی رادیویی‌اش روی اتحاد ملی تأکید کرد. از پی اقدامی نافرجام به قصد قتلش، برای انجام معالجاتی پزشکی در اروپا بود و درباره ی لزوم پیروزی در این «کارزار قهرمانانه ی مردم ایران» در برابر استعمار و قدرت‌های بزرگ حرف زد. عمده ی اشاراتش به بریتانیا بود اما در مورد آمریکا هم صحبت کرد. (۲۹) در ادامه ی حرف‌هایش گفت: «کسانی که تبلیغات زهراآگین می‌پراکنند، بدترین سلاح‌های دشمن‌اند.» (۳۰) رادیو تهران کماکان کارش را با مرور روزنامه‌هایی که نتایج همه‌پرسی و گفت‌وگوهای پیش‌رو با شوروی را می‌ستودند، پی می‌گرفت. رادیوی محلی کردستان با این نظر موافق بود که آرا نشان می‌دادند: «مردم ایران و دولت ملی‌شان و رهبر بزرگش مصدق از همدیگر جدایی ناپذیرند.» (۳۱) این شبکه همچنین خبر از عزیمت شاه و ملکه به رامسر در روز ۲۰ مرداد ماه داد. ظاهرا این شبکه خبر نداشت این سفر که جزئی از نقشه است، برای اطمینان یافتن از این بود که شاه بعد از امضای فرمان و حین انجام کودتا بیرون از تهران خواهد بود. متعاقبش برنامه‌ها برای انجام کودتا در روز ۲۳ مرداد ماه ریخته شد که بعدتر به تأخیر افتاد و شد ۲۴ مرداد ماه؛ قرار بود در این روز مصدق و بقیه دستگیر شوند. (۳۲)

پی نوشت‌ها:

۱. FBIS, Daily Report, vol. 127–47, 27 July 1953, QQ-2

۲. FBIS, Daily Report, QQ-2

۳. FBIS, Daily Report, QQ-2

۴. FBIS, Daily Report, 28 July 1953, QQ-1

۵. FBIS, Daily Report, 30 July 1953, QQ-1

۶. FBIS, Daily Report, 31 July 1953, QQ-1

۷. FBIS, Daily Report, QQ-2

Steven A. Koch, “Zendeabad Shah!” The Central Intelligence Agency and the Fall of Iranian Prime Minister Mohammad Mossadeq, August 1953, CIA History Office (Washington, DC, June 1998), <http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB28/index.html> ((accessed 1 May 2011

۹. FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 3 August 1953, QQ-1

۱۰. FBIS, Daily Report, QQ-2, 4

۱۱. FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 4 August 1953, QQ-2

۱۲. FBIS, Daily Report, 5 August 1953, QQ-1

۱۳. FBIS, Daily Report, QQ-3

۱۴. FBIS, Daily Report, QQ-3

۱۵. FBIS, Daily Report, 7 August 1953, QQ-2

- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .16
- .FBIS, Daily Report, QQ-3 .17
- .FBIS, Daily Report, 10 August 1953, QQ-5 .18
- .FBIS, Daily Report, 7 August 1953, QQ-1 .19
- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .20
- .FBIS, Daily Report, 10 August 1953, QQ-2 .21
- .FBIS, Daily Report, vol. 148-170, 10 August 1953, QQ-3 .22
- .FBIS, Daily Report, QQ-3 .23
- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .24
- FRUS, Iran, The Chargé in Iran (Mattison) to the Department of .25
 State, 12 Aug 1953, 742
- .FRUS, Iran .26
- .FRUS, Iran .27
- .FRUS, Iran, 742-44 .28
- .FBIS, Daily Report, vol. 148-70, 12 August 1953, QQ-1 .29
- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .30
- .FBIS, Daily Report, vol. 148-70, 12 August 1953, QQ-4 .31
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 39 .32

افراد بود ساعت ه صبح امروز مصدق، فاطمی، ریاحی را اعدام کنند

جرین دستگیری وزیر خارجه، وزیر راه و مهندس زیر کز ادله

افراد بود ساعت ه صبح امروز مصدق، فاطمی، ریاحی را اعدام کنند
جرین دستگیری وزیر خارجه، وزیر راه و مهندس زیر کز ادله

باختر امروز

این بار شائستگی روی دربار سا و فاروق رشید کرد

متهمین سردان گاه صحرانی محاکمه میشوند

بعد از ظهر امروز در میدان بهارستان مینگی برگزار میشود.

خبرگزاری

مقامات دولتی و نظامی در جریان کودتای ۲۸ مرداد در تهران و مشهد حضور داشتند. در تهران، حاکم نظامی و فرمانده ارتش، سرتیبدان و افسران عالی رتبه در محل تجمع کردند. در مشهد، فرمانده ارتش و سایر افسران نیز در آنجا حاضر شدند. این تظاهرات در حالی انجام شد که ارتش اعلام کرده بود که به دستور دولت عمل خواهد کرد.

خبرهای کوتاه

وزیر امور خارجه، وزیر راه و مهندس زیر کز ادله در جریان دستگیری قرار گرفتند.

متهمین سردان گاه صحرانی محاکمه میشوند
بعد از ظهر امروز در میدان بهارستان مینگی برگزار میشود.

افراد بود ساعت ه صبح امروز مصدق، فاطمی، ریاحی را اعدام کنند
جرین دستگیری وزیر خارجه، وزیر راه و مهندس زیر کز ادله

باختر امروز
این بار شائستگی روی دربار سا و فاروق رشید کرد

متهمین سردان گاه صحرانی محاکمه میشوند
بعد از ظهر امروز در میدان بهارستان مینگی برگزار میشود.











اواسط مرداد ماه دیگر شایعات در مورد کودتا حرف اصلی تهرانی ها بود و همه جا پیچیده بود. بخش خاور نزدیک رادیو مسکو که به زبان فارسی برنامه پخش می کرد، روز ۱۹ مرداد ماه به این موضوع پرداخت و درباره ی دخالت های فزاینده ی انگلستان و آمریکا در ایران نظر داد و گفت: «اخیرا مستشاران نظامی ایالات متحده و عوامل بریتانیا بسیار در ایران فعال شده اند.» (۱) رادیو مسکو، ایالات متحده را به مسلح کردن «جوجه فاشیست های حزب سومکا» متهم کرد و اینکه «آشکارا کارزار تبلیغاتی گسترده ای شروع کرده» در شیراز میان ایلات قشقایی که «تحریکشان کند به انجام کودتا» بی مرتبط با دیدار شوارتسکف از ایران. (۲) رادیو تهران همچنین گزارشی از «تربیین دناسیونز» فرانسه خواند. گزارش این طور شروع می شد که فرمانده ی هیات نظامیان ایالات متحده در ایران، ژنرال رابرت مک کلور، «مشغول تلاش برای متقاعد کردن نمایندگان ارتش ایران برای مقابله با دولت ایران بوده» و به نقل از «نیروی سوم»، رئیس جمهور ایالات متحده را متهم به دخالت در امور ایران کرد. (۳) ژنرال مک کلور پیش ترش واحدهای «عملیات ویژه» و «جنگ روانی» ایالات متحده را پایه گذاشته بود. مهم اینکه او نقشی حیاتی در ترغیب فرماندهان اصلی ارتش ایران برای حمایت از کودتا داشت. «شجاعت»، ارگان حزب توده، تازه

۲ مرداد ماه بود که پیش‌بینی وقوع کودتا کرد. روز شش و نیم بعدازظهر آن روز گزارش نتایج نهایی انتخابات را داد: ۲۰۴۳۳۸۹ نفر موافق و ۱۲۰۷ نفر مخالف پیشنهاد، یعنی تقریباً ۹۹ درصد موافق انحلال مجلس. (۴) شهر حالا روی لبه ی تیغ بود.

روز بعدش رادیو تهران خبر داد مصدق ساعت دو بعدازظهر به وقت محلی خطاب به ملت درباره ی همه‌پرسی و «مشکلات سیاسی مهم کنونی» سخن خواهد گفت. (۵) نخست‌وزیر ملت را خطاب گرفت و فاطمی، وزیر امور خارجه هم نشست خبری برگزار کرد؛ روز ۳ مرداد ماه رادیو تهران هر دوی این‌ها را پخش کرد. اولین جلسه ی میان نمایندگان ایران و شوروی ساعت ۹ صبح همان روز به وقت محلی برگزار شده بود، برای تعیین دستور جلسه‌ای که قرار بود فردایش، روز شنبه، برگزار شود. پیش‌ترش همین رادیو گزارشی از روزنامه ی «ایران» پخش کرد که به روابط حسنه با روس‌ها اشاره و ادعا می‌کرد ایران نخستین کشوری بوده که سال ۱۹۱۷ اتحاد جماهیر شوروی را به رسمیت شناخته. این روزنامه می‌گفت ایران خواهان روابط دوستانه است و «ملت ایران امید دارد مقام‌های شوروی، حسن‌نیت دولت ملی ما را در این برهه غنیمت بشمارند»؛ همزمان روزنامه ی «پیک اصفهان» اضافه می‌کرد «حالا بعد از امضای پیمان داد و ستد تجاری میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی، وقت توافق بر سر دیگر اختلافات رسیده.» (۶) گزارش‌های مشابهی هم از روزنامه‌های دیگر خوانده شد. رادیو تهران همچنین سرمقاله‌ای از «باختر امروز» را خواند درباره ی «رفع اختلافات ایران و شوروی.» (۷) این سرمقاله تاریخ روابط میان دو کشور را مرور می‌کرد و می‌گفت: «بریتانیایی‌ها به واسطه ی کارشکنی‌ها و خرابکاری‌هایشان به قصد ختنی کردن تلاش‌های ما، شروع کردند به اختلاف‌افکنی، چون ما حاضر به چشم پوشیدن از استقلال اقتصادی و سیاسی مان نبودیم.» (۸) این روزنامه مسوولیت را به گردن بریتانیا می‌انداخت، به عوض اینکه بپذیرد مذاکرات زمستان سال گذشته‌اش بابت ناتوانی دو طرف در رسیدن به توافق بی‌نتیجه مانده بود. همزمان بخش خارجی رادیوی اتحاد جماهیر شوروی در قبال ایران رفتاری متفاوت از ایالات متحده داشت. در یکی از بخش‌های واحد انگلیسی‌شان برای مخاطبان آسیای جنوب شرقی گفتند: «چون ایالات متحده در محاصره

ی اقتصادی ایران به بریتانیا پیوسته، به عوضش اتحاد جماهیر شوروی روابط اقتصادی اش را با این کشور گسترش می دهد.» (۹)

عصر روز شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲، کودتاچیان بعد از همه ی اشتباهات و تأخیرهایشان، دیگر بالاخره آماده ی عمل بودند. کودتاچی ها ژنرال زاهدی را برای جانشینی مصدق انتخاب کرده بودند. ساعت پانزده دقیقه ی بامداد یکشنبه، اعلامیه ی دولت که از رادیو پخش شد، خبر از تلاش برای کودتا داد. رادیو گفت ساعت ۲۰:۳۳ دقیقه ی ۲۴ مرداد ماه به وقت محلی، گارد سلطنتی به واسطه ی دستگیری وزرای امور خارجه و راه، تلاشی کرد برای کودتای نظامی. توطئه چیها کوشیده بودند رئیس ستاد ارتش را هم دستگیر کنند اما او خانه نبود. خود ارتشبد نصیری، فرمانده ی گارد سلطنتی و از عوامل دخیل در کودتا، وقتی برای گرفتن مصدق رفته بود، دستگیر شد. مصدق از قبل از ماجرا خبر داشت و در نتیجه محافظانی مهیا کرده بود و «شاه به محض اینکه شنید نقشه نگرفته، با هواپیما فرار کرد به بغداد.» (۱۰)

متعاقبش سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی تهران، به سرلشکر زاهدی دستور داد «ظرف ۲۴ ساعت به فرمانداری نظامی گزارش کار بدهد.» (۱۱) فاطمی وزیر امور خارجه بعد آزادی از چنگ کودتاچی ها به شاه بابت نقشش در کودتا حمله کرد. فاطمی در رادیو تهران حمله کرد به نهاد سلطنت و گفت: «دربار دشمن همه ی آزادی خواهان و آزاداندیشان و سدی است بر سر راه مبارزان آزادی و استقلال.» (۱۲) دم ظهر به وقت محلی، رادیو تهران بیانیه ی مصدق را خواند که اعلام انحلال مجلس کرد و اینکه به زودی انتخابات تازه ای برگزار خواهد شد. (۱۳) ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه ی یکشنبه به وقت محلی، فاطمی نشست مطبوعاتی دیگری برگزار کرد تا آخرین اطلاعات را درباره ی کودتا بدهد. فاطمی گفت از قبل بهشان در مورد کودتا هشدار داده شده بود و در پایان حرف هایش گفت: «به هر حال اکنون دولت کاملاً بر اوضاع مسلط است.» (۱۴)

ساعت دو ظهر به وقت محلی، رادیو تهران گزارشی زنده از میدان بهارستان پخش کرد که در آنجا داشت تظاهراتی در حمایت از مصدق برگزار می شد. گوینده نفس نفس زنان از وسط جمعی از سخنرانان گزارشش را می داد؛ یکی می گفت مردم مخالف کودتا هستند و می خواست همه ی

«رهبران کودتا» فوراً مجازات شوند. (۱۵) دکتر علی شایگان، نماینده ی پیشین مجلس، همچون اغلب سخنرانان، حرف‌هایی علیه شاه زد و گفت: «دکتر مصدق و نمایندگان ملی‌گرا نهایت تلاششان را کردند تا مانع استفاده از شاه و دربار علیه مردم شوند.» (۱۶) او خواهان محدود کردن حوزه ی اختیارات شاه شد و ادعا کرد مصدق از پنج روز قبل از کودتا خبر داشته و در نتیجه کاملاً آماده شده بود. دکتر شایگان اشاره کرد که شاه فرار کرده به بغداد و گوینده گفت که جمعیت با شنیدن این جمله ابراز شادی کردند و چند دقیقه فریاد زدند «مصدق پیروز است». مهندس احمد زیرک‌زاده سخنران بعدی بود؛ او هم کمی بعد آزادی از زندان داشت حرف می‌زد. او خواستار تداوم حمایت‌ها در مقابله با «دشمنان دولتتان» شد و استعفای شاه را تقاضا کرد. (۱۷) بعدتر فاطمی وزیر امور خارجه هم خواهان پایان دادن به سلطنت شد و گفت: «شکر خدا دربار ننگین پهلوی ورافتاده.» (۱۸) این رادیو هیچ اشاره‌ای به میزان جمعیت نکرد. تظاهرات ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه پایان یافت و گوینده گفت: «گردهمایی اکنون خاتمه یافته و مردم با مشعل‌هایی روشن در دست عازم راهپیمایی در خیابان‌ها هستند.» (۱۹)

روز دوشنبه، جمعیت ریختند به خیابان‌ها و بناهای یادبود شاه را ویران کردند. (۲۰) برتن بری، سفیر ایالات متحده در عراق، بعد دیدار با شاه در بغداد، به وزارت امور خارجه آمریکا گزارشی داد. گفت شاه به دلیل ناکامی نقشه احساس می‌کند ضرر کرده، و الان هم درخواست مشاوره دارد و امیدوار است برود به اروپا و بعد به آمریکا. بری اضافه کرد حدس شاه این است که نقشه به دلیل تأخیر در رساندن پیغام آغاز کودتا به عوامل دخیل شکست خورده، تأخیری که به مصدق فرصت داد ابتکار عمل را به دست بگیرد. به گفته ی بری، شاه اضافه کرد: «قصد دارد به زودی پی یافتن کاری بیفتد، چون خانواده ی بزرگی دارد و دارایی‌هایش در بیرون ایران بسیار مختصر است.» (۲۱) کاردار متیسن همان روز از تهران تلگراف فرستاد که «به رغم کاهش محبوبیت نخست‌وزیر، مهار اصلی‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی کماکان دست او است، از جمله رادیو تهران و همچنین دستگاه دولت و سرمایه‌هایی که به پشتیبانی آن‌ها می‌تواند رأی جمع کند یا تظاهرات به نفع خودش راه بیندازد.» (۲۲) متیسن هشدار می‌داد این قدرت می‌تواند کار مصدق

را در قطعی کردن انحلال مجلس آسان کند و «استقرار دیکتاتوری کامل خواهد شد، با بازمانده‌هایی اندک از قالب‌های ظاهری دموکراتیکی» که می‌توانند سد راه مصدق باشند. (۲۳)

در این برهه دیگر اغلب نقش آفرینان سیاست ایران به این باور رسیده بودند که کودتا شکست خورده. شاه از کشور فرار کرده و سی‌ای‌ای هم به همه ی توطئه‌گرانی که مصونیت دیپلماتیک نداشتند، دستور داده بود کشور را ترک کنند. فقط گروه کوچکی باور داشتند هنوز فرصت برای پیروزی هست. کرمیت روزولت زیر بار دستور ترک ایران نرفت و پس پرده تلاش کرد به واسطه ی تحریک و هدایت نیروهای مردمی پنهان و پراکنده‌ای که حامی سلطنت بودند، پیروزی را از آرواره‌های شکست بیرون بکشد. او عملیاتش را بر پایه ی تأکید روی این مایه سامان داد که سرلشکر «زاهدی رئیس قانونی دولت است و مصدق، غاصبی که دست به کودتا زده.» (۲۴)

چنان که گفته شد، در همه ی مدت بحران هر دو طرف در پی به چنگ آوردن ردای مشروعیتی بودند که دست رهبران مذهبی جامعه بود. در برهه ی کودتا این منازعه حادثتر هم شد. رادیو تهران ساعت ۱۳ روز ۲۹ مرداد ماه نظرات عالمانی دینی را پخش کرد، در تلاش برای کشاندن مردم به طرف خودشان. یکیشان با اشاره ی آشکار به شاه، «بت پرستی» را محکوم کرد و گفت: «اسلام که به ایران رسید، مردم از آن استقبال کردند چون پرستش خداوند را به جای پرستش شاه به آن‌ها آموخت و بهشان یاد داد خودشان را از شر فشارها و بی‌رحمی‌های دربار شاهنشاهی برهانند.» (۲۵) این شبکه ی رادیویی گزارش داد مصدق حمایت مردم را دارد و اشاره کرد به بیشتر از ۱۰۷۵ پیامی که از گروه‌هایی چون «ایران» و «اتحاد مسلمانان» و «کمیته ی جنبش ملی آرامنه» گرفته. روزولت هم پی‌جوی کمک روحانیان بود تا مردم را به طرف شاه سوق بدهد. از تهران روحانی‌ای فرستادند به قم «تا تلاش کند روحانی عالی‌رتبه آیت‌الله بروجردی را ترغیب کند به صدور فتوایی خواهان جنگی مقدس علیه کمونیسم» و گرد آوردن مذهبی‌ها برای برگزاری راهپیمایی عظیمی در روز چهارشنبه. (۲۶) به گفته ی ویلبر، آیت‌الله که معمولاً در سیاست احتیاط می‌کرد، نهایتاً اشاره کرد چند کلمه‌ای در حمایت از این موضع خواهد گفت، اگرچه هیچ سندی در دست نیست که واقعا چنین کاری کرد. (۲۷)

خیابان‌های تهران زیر گام‌های دار و دسته‌های رقیب پر آشوب باقی ماند. از جمله ی این دار و دسته‌ها حزب توده بود اما روزولت توده‌ای‌هایی قلابی هم به میدان فرستاده بود تا بذر آشوب و هرج و مرج بپراکنند. اینکه کدام یکی از این احزاب توده بزرگتر بود، اهمیتی نداشت؛ توده‌ای‌های قلابی تأثیر دلخواهشان را روی جمعیت خفته ی سلطنت‌طلبان شهر گذاشته بودند. (۲۸) ساعت یازده ظهر به وقت محلی دو خبرنگار آمریکایی را بردند به دیدار سرلشکر زاهدی تا اصل فرمان‌های شاه را ببینند. این بخشی از تلاش روزولت بود برای نجات نقشه ی کودتا از طریق تزریق اطلاعات مورد نیازش به میانجی بنگاه‌های مطبوعاتی ایالات متحده، به این امید که چنین اطلاعاتی دوباره به ایران برگردند و استفاده شوند. بعد شکست کودتا سفیر هندرسون هم به تهران برگشته بود، به امید اینکه بر پایه ی رابطه ی خوب خودش با مصدق، روابط میان آمریکا و ایران را حفظ کند و نجات بدهد. (۲۹)

ساعت هفت صبح روز ۲۷ مردادماه، اعلامیه ی فرمانداری نظامی دستور دستگیری سرلشکر زاهدی را صادر کرد و برای این کار صد هزار ریال هم جایزه گذاشت. همچنین متعاقب راهپیمایی‌های خشونت‌بار آن روزها اعلام شد مردم باید برای برگزاری تجمع‌های اعتراضی، از فرمانداری نظامی درخواست مجوز کنند. چهل و پنج دقیقه بعدترش فاطمی وزیر امور خارجه نشست خبری دیگری برگزار کرد. فاطمی گفت شاه با پرواز شرکت «اورسیز ارویز» بریتانیا از بغداد رفته. حدسش این بود که شاه عازم بریتانیای کبیر است، اما مقصد واقعی رم بود. (۳۰) فاطمی همچنین اشاره کرد به جلسه ی دیشب هیات دولت. مهم‌ترین خبرها از این جلسه اعلام این بود که قانونی در مورد بیمه ی وسایل نقلیه ی موتوری تصویب کرده بودند؛ مصوبه ی دیگری هم در مورد «استادان دانشگاه تبریز» داشتند. (۳۱) به نظر می‌آید گمان دولت این بود که کودتا شکست خورده و رفته بودند سر وقت پرداختن به مسایل دیگر.

پی‌نوشت‌ها:

۱. FBIS, Daily Report, vol. 148-70, 13 August 1953, CC-1.

- .FBIS, Daily Report, CC-1 .۲
- .FBIS, Daily Report, CC-2 .۳
- .FBIS, Daily Report, 14 August 1953, QQ-4 .۴
- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .۵
- .FBIS, Daily Report, 13 August 1953, QQ-3 .۶
- .FBIS, Daily Report, QQ-1 .۷
- .FBIS, Daily Report, QQ-2 .۸
- .FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 14 August 1953, CC-3 .۹
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, x .۱۰
- .FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 17 August 1953, QQ-2 .۱۱
- .FBIS, Daily Report, QQ-3 .۱۲
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 48 .۱۳
- .FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 17 August 1953, QQ-7 .۱۴
- .FBIS, Daily Report, QQ-8 .۱۵
- .FBIS, Daily Report, QQ-9 .۱۶
- .FBIS, Daily Report, QQ-10, 12 .۱۷
- .FBIS, Daily Report, QQ-11 .۱۸
- .FBIS, Daily Report, QQ-11 .۱۹
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 56 .۲۰

- FRUS, Iran, The Ambassador in Iraq(Berry) to the Department of .۲۱
State, 17 Aug 1953, 747
- FRUS, Iran, The Chargé in Iran(Mattison) to the Department of .۲۲
State, 17 Aug 1953, 737
- .FRUS, Iran, The Chargé in Iran .۲۳
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 45 .۲۴
- .FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 18 August 1953, QQ-7 .۲۵
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 57 .۲۶
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 66 .۲۷
- .Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 59 .۲۸
- .Brands, Inside the Cold War, 283–84 .۲۹
- .FBIS, Daily Report, vol. 148–70, 18 August 1953, QQ-1 .۳۰
- .FBIS, Daily Report, QQ-2 .۳۱



انشغال ایستگاه رادیو در روز کودتای ۲۸ مرداد

پس پرده، کرمیت روزولت ترتیباتی فراهم کرد نسخه‌هایی کپی شده از فرمان‌های شاه به همراه گفت‌وگویی جعلی با زاهدی توزیع گسترده شوند. این اقدامات در چشم مردم انبوهی که «با تحركات روز قبل حزب توده حواسشان سر جا آمده بود» (۱) به کودتا ظاهری مشروع داد. هندرسون همچنین به وزارت امور خارجه ی ایالات متحده خبر از اختلاف و جدایی میان حزب توده و مصدق به دلیل تظاهرات بی‌مجوز حزب داد. به گفته ی سفیر، به احتمال خیلی زیاد دست‌کم بخشی از آن جمعیت توی خیابان آدم‌های روزولت بودند، «حزب توده آشکارا زیاده‌روی کرد و باعث شد ایرانی‌ها فکر کنند مجبورند انتخاب کنند» میان اتحاد جماهیر شوروی و مصدق یا شاه و غرب. (۲) الزام این انتخاب با رفتارهای خود مصدق و نیز اعلامیه‌ها و اوراقی که عوامل روزولت پخش می‌کردند، حادثتر هم شد. با این حال برای روزولت انجام این کارها آن قدری ساده نبود که ممکن است به ذهن برسد. اگرچه روز سه‌شنبه روزنامه‌ها منتشر شدند اما از تعداد روزنامه‌های مخالفان کلی کم شده بود چون «شهربانی مخفیانه به همه ی چاپخانه‌ها آدم فرستاده بود». (۳) به رغم این قضیه اما کودتاچی‌ها موفق شدند جمعیت‌هایی از مردم را تحریک کنند به حمله به دفاتر حزب توده و روزنامه‌های طرفدار مصدق. (۴)

چهارشنبه صبح در بازار راهپیمایی‌هایی به حمایت از شاه شروع شد اما دامنه‌اش خیلی سریع به کل شهر کشید. به گفته‌ی هندرسون، «جمعیتی خروشان از مردان، زنان و کودکان فریاد می‌زدند "شاه پیروز است."» (۵) توصیف او «حال و هوای یک روز خوش تعطیل» بود شامل جمعیت‌هایی «از همه طبقات بسیاریشان خوش‌پوش که داشتند پشت سر یا به تشویق غیرنظامیانی دیگر» پیش می‌رفتند. (۶) سرکرده‌های این معترضان دار و دسته‌هایی بودند از زورخانه‌ها. جلوی جمعیت شعبان‌بی‌مخ بود، از حامیان شاه و پهلوانی مشهور. (۷) بعضی گزارش‌ها اشاره می‌کردند شاید تأثیر این چهره‌های کشتی‌گیر در به وجود آمدن حال و هوای یک روز تعطیل از طریق اجرای حرکات ورزشی‌شان در صف پیشاپیش مردم بوده. در این دیدگاه این ورزشکاران قهرمانانی ملی بودند که کمک می‌کردند به بسیج و راه بردن جمعیت. شواهدی هم هست از اینکه از آن‌ها برای مرعوب کردن و کتک زدن مصدق‌ها و طرفدارانشان استفاده شد. (۸) در جریان این ناآرامی‌ها سربازان و نظامی‌های وفادار به مصدق دور از غائله ماندند اما در جاهایی که تظاهرات بود تیر هوایی شلیک کردند. (۹) جمعیت هواداران شاه سر آخر توانستند مراکزی حساس و حیاتی را تسخیر کنند، اداره‌ی پست و تلگراف و ساختمان رادیو. این دومی برای موفقیت کودتا بسیار مهم بود. به نظر هندرسون، توده‌ی مردم طی چند روز قبلش با دیدن راهپیمایی‌های حزب توده و «دار و دسته‌های اوباشی که پرچم‌های سرخ به دست داشتند و سرودهای کمونیستی می‌خواندند» خشمگین شده بودند. (۱۰) به دست آوردن مهار رادیو وسیله‌ای بود برای هدایت و راه بردن این خشم.

رادیو تهران صبح روز ۲۸ مرداد ماه مطابق جدول برنامه‌هایش پیش رفت اما بعد حدود پانزده دقیقه‌ای قطع شد. بنا به اسناد اف‌بی‌آی‌اس، ساعت ۱۲:۰۳ دقیقه به وقت گرینویچ پنخس این شبکه‌ی رادیویی دوباره از سر گرفته شد، «با داد و فریادها و سر و صداهایی مغشوش» که اعلام می‌کردند مصدق عزل و از قدرت خلع شده. (۱۱) این اقدام مهم بود چون به شهرستان‌ها پیغام رساند که باید بروند پشت کودتا و همچنین به بی‌طرف‌های ارتش فهماند که باید از کدام طرف حمایت کنند. رادیو تهران که حالا دیگر طرفدار شاه بود، ساعت ۱۷:۵۰ متن فرمان را پنخس

کرد. (۱۲) گوینده گفت: «مردم تهران امروز به پا خاسته‌اند و همه ی ادارات دولتی را گرفته‌اند و من می‌توانم این را به شما بگویم که این همه به واسطه ی کمک نیروهای مسلح بوده.» (۱۳) هندرسون بعدتر نوشت نه فقط دولت «بلکه [خود] هواداران شاه هم از پیروزی سریع در همان اول کارشان شگفت‌زده بودند، پیروزی‌ای که تا حد زیادی ناگهانی و با حرکتی خودجوش به دست آمد.» (۱۴)

لحن رادیو تهران در جا و به محض تسخیر عوض شد. گوینده اشاره کرد به «دولت خیانتکار فاطمی» و صراحتاً گفت: «فاطمی سعی کرد سرزمین شش هزار ساله ی آبا و اجدادی ما را به بیگانگان بفروشد؛ وسط حرف‌هایش هم فریادهای «مرگ بر فاطمی» پخش می‌شد. (۱۵) مصدق را «خائن و جنایتکار»ی خواندند که «خدمت دولت شوروی را می‌کند.» (۱۶) با این حال از عمده ی مضمون‌های ملی‌گرایانه برای توجیه اقدامات و رفتارها و همچنین درخواست برای تداوم حمایت‌های مردمی استفاده شد. یکی از گوینده‌های رادیو گفت: «وقتی مصدق آمد گفت می‌خواهد صنعت نفت را ملی کند، ما همه به او رأی دادیم» و بعد هم گفت وحشت کرده از اینکه به «خائنان و متقلبان» کمک کرده. (۱۷) کمی بعدتر رادیو تهران پیام تبریک آیت‌الله کاشانی را پخش کرد و بعدش هم پسرش زنده با مخاطبان رادیو سخن گفت. همان هنگام، تلاش تیتروهای اصلی روزنامه ی «شاهد» این بود که مردم را به خیابان‌ها بکشاند و روی این مایه کار می‌کرد که کودتای نافرجام ۲۴ مرداد ماه طرح خود مصدق بود تا در لوای آن قدرت را تمام و کمال به چنگ بیاورد. صراحتاً نوشتند: «کودتای قلابی دولت برای تغییر رژیم» و «مردم! گول نخورید! کودتا مرحله ی دوم مضحکه ی همه‌پرسی است.» (۱۸)

رادیو اصفهان اولش دست طرفداران مصدق باقی ماند. ساعت ۱۲:۲۸ به وقت گرینویچ گوینده‌ای گفت: «شنوندگان عزیز، مردم عزیز ایران، رادیو تهران قطع شد و وقتی دوباره پخش برنامه‌هایش شروع شد، ما اصواتی شیطانی از آن شنیدیم. اداره ی تبلیغات و رادیو اصفهان پشتیبان دکتر مصدق‌اند. ما از همه ی هم‌میهنان می‌خواهیم علیه این خائنان در تهران متحد شویم. ما از همه ی خیانتکاران انتقام خواهیم گرفت.» (۱۹)

در تبریز هم اولش معلوم نبود چی به چی است اما ساعت ۱۳:۵۵ به وقت گرینویچ گوینده اعلام کرد این شبکه دست نیروهای طرفدار شاه است. گوینده‌ای به کردی گفت: «من یکی از عاشقان شاه‌ام... دیگر بگیرید بیرون بیندازید آن آدم‌های مصدق را. این روباه پیر باید کشته شود.» (۲۰) بسیاری از شبکه‌های رادیویی شروع کردند به استفاده از عبارت «روباه پیر» برای اشاره به مصدق. بعد رادیو تبریز شروع کرد به پخش رادیو تهران روی موج خودش. طی دو روز بعدی، برنامه‌ها بیشتر شامل موسیقی‌هایی میهن‌پرستانه می‌شد که لابه‌لایشان بیانیه‌های رسمی اعلام سیاست‌های جدید و اتهام‌ها به افراد می‌آمد. رهبران ایلات و عشایر و قشرهای مختلفی از جامعه شروع کردند به دسته‌دسته ابراز حمایت از شاه و تأکید کردن به مردم که آرام بمانند. ساعت یک بعدازظهر روز ۲۹ مرداد ماه رادیو تهران برنامه‌ی معمول مرور مطبوعاتش را پخش کرد اما جای شگفتی نداشت که روزنامه‌های برگزیده عوض شده بودند. این مرور حالا شامل «داد»، «نبرد ملت»، «شاهد»، «زلزله» و «بختیار» می‌شد. این روزنامه‌ها که مطالبشان احتمالاً بازتاب تأثیرات تلاش‌های تبلیغاتی سی‌ای‌ای بود، حالا به واسطه‌ی پخش رادیویی مخاطبان بیشتری هم می‌یافتند و پشتیبانی می‌شدند. مثلاً سرمقاله‌ی «شاهد» همسو با مضامین تبلیغی سی‌ای‌ای می‌گفت: «ما قبلاً می‌دانستیم مصدق مدافع قانون اساسی ایران است. به همین دلیل هم بود که او را نخست‌وزیر کردیم. اما متأسفانه متوجه شدیم او کاری که حرفش را می‌زند، نمی‌کند. او خیلی متکبر شد. دیگر نمی‌توانست هیچ نقدی را تحمل کند. مجبور شد رادیو را تبدیل کند به وسیله‌ای برای ستایش کردن خودش. حالا دولت مصدق کنار رفته اما نهضت ملی ما با رفتن او پایان نخواهد گرفت.» (۲۱)

نخستین اظهارنظر رادیو شوروی کودتای نافرجام اول، ساعت ۷:۳۰ روز ۲۸ مرداد ماه بود؛ گزارش روزنامه‌ی «پراودا» را نقل کرد که «توطئه‌های ایالات متحده در ایران ناکام ماند» و اینکه «شجاعت»، از روزنامه‌هایی که خط کمونیستی داشت، روز ۲۳ مرداد ماه پیش‌بینی کودتا را کرده بود. (۲۲) «پراودا» تلاش می‌کرد بین بریتانیایی‌ها و آمریکایی‌ها فرق بگذارد و می‌گفت آمریکایی‌ها می‌خواهند ایران را به دست بگیرند. زمانی که این گزارش داشت پخش می‌شد،

مصدق دیگر عملاً سقوط کرده بود. همین نشان می‌دهد برنامه‌ی تبلیغاتی شوروی هیچ‌گونه انعطافی برای تغییر کردن نداشت. رادیو مسکو هم عریضه‌ای از کمیته‌ی مرکزی حزب توده پخش کرد مال روز قبلش. (۲۳) عریضه تقصیر کودتای نافرجام را به گردن «توطئه‌های انگلیسی - آمریکایی» می‌انداخت و این شعار را هم درست کرده بود: «مرگ بر سلطنت! زنده باد جمهوری دموکراتیک». (۲۴) از دید کرمیت روزولت، چنین بیانیه‌هایی در ذهن ایرانیان جا می‌انداخت که دعوا بر سر وضعیت جامعه است و «مردم را تحریک می‌کرد خشمگینانه نیرویی به طرفداری از شاه تشکیل بدهند». (۲۵) مصدق روز ۲۹ مرداد ماه دستگیر و بعدتر تبعید شد به عمارتش در احمدآباد و تا زمان مرگش در سال ۱۳۴۵ همان جا بود. سرلشکر زاهدی فقط دو سال نخست‌وزیر بود. بحران گریبانگیر نفت آبادان حل و فصل شد اما نه با شرایط و قراردادی به خوبی آنچه مصدق به احتمال زیاد از طریق دادگاه بین‌المللی عدالت در لاهه به دست می‌آورد. شاه که ذاتاً ضعیف بود، هر روز خودکامه‌تر از پیش شد.

در عرصه‌ی سیاست داخلی، رادیو تهران درجا از رادیویی با گرایش طرفداری از مصدق به رادیویی طرفدار شاه تغییر کرد اما شگفت اینکه نمادها و مضامینش برای بسیج کردن مردم همان‌ها ماند و تداوم یافت. این نشان می‌دهد صاحبان قدرت فهمیده بودند این مضامین ملی‌گرایانه در ایرانی‌ها اثر می‌کند. هر دو طرف منازعه متوسل می‌شدند به گذشته‌ی غیرمذهبی و شکوهمند ایران. همزمان پی کسب حمایت مذهبی از آرمان و اهدافشان هم بودند و هر دو طرف تلاش داشتند ظاهری ضد استعماری به خودشان بدهند. چنان که پیش‌تر گفته شد، ایران محیط رسانه‌ای پیچیده‌ای بود. سی‌ای‌ای ناگزیر بود به شیوه‌ها و ابزارهایی معیوب برای انتشار پیام‌هایش امید ببندد. آن‌ها با استفاده از شبکه‌های رادیویی محلی، انتشار گزارش‌هایی در مطبوعات و رسانه‌های آمریکا و کشورهای دیگر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محدود رسانه‌ها در ایران، کوشیدند برای کودتا جلب حمایت کنند. (۲۶)

با این حال ساده‌انگاری است ادعا کنیم برنامه‌ی مخفی تبلیغاتی سی‌ای‌ای دلیل موفقیت کودتا بوده. حقیقت این است که مروری بر عملکرد سی‌ای‌ای تأکید کننده‌ی توان محدود این سازمان

برای گنجاندن تبلیغات دلخواهش در رسانه‌های ایران در تقابل با توان وزارت امور خارجه ی ایالات متحده برای چاپ تحقیقی متعلق به سی‌آی‌ای در مجله ی «نیوزویک» است. کل تلاش سی‌آی‌ای را «کوششی کمابیش بی‌اثر» خواندند و اینکه نیاز به «بهبود ظرفیت‌ها و توانایی‌ها» هست. (۲۷) هر جا این تبلیغات موفق بود، می‌توان نسبتش داد به توان عوامل سی‌آی‌ای در فهم فرهنگ ارتباطی ایرانیان و اینکه توانستند در لحظه ی حساس احساسات مکنون مردم را در جهت دلخواه بسیج و هدایت کنند. عامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز برای این پیروزی، تأثیر اقدامات و رفتارهای مصدق و حزب توده بود که ناعامدانه به تبلیغات کودتاجی‌ها مشروعیت و حقانیت دادند. این عامل به همراه به دست آوردن فرمان و استفاده از رادیو، تعادل را به نفع کودتا به هم زد و بی‌طرفان هراسان از تهدید کمونیست‌ها را به سمت حمایت از کودتا سوق داد. (۲۸)

پی‌نوشت‌ها:

۱. Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 65.
۲. FRUS, Iran, The Ambassador in Iran (Henderson) to the Department of State, 20 Aug 1953, 752–55.
۳. Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 59.
۴. Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 66.
۵. Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 68.
۶. FRUS, Iran, The Ambassador in Iran (Henderson) to the Department of State, 20 Aug 1953, 754.
۷. Koch, “Zendeabad Shah!”, 63.

- .Poulson, *Social Movements in Twentieth-Century Iran*, 71 .۸
- .Koch, “Zendeabad Shah!”, 66, 68 .۹
- FRUS, Iran, *The Ambassador in Iran (Henderson) to the* .۱۰
.Department of State, 20 Aug 1953, 752–55
- .FBIS, *Daily Report*, vol. 148–70, 19 August 1953, QQ-1 .۱۱
- .Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, 71 .۱۲
- .Koch, “Zendeabad Shah!”, n.p .۱۳
- FRUS, Iran, *The Ambassador in Iran (Henderson) to the* .۱۴
.Department of State, 20 August 1953, 754
- .FBIS, *Daily Report*, vol. 148–70, 19 August 1953, QQ-2 .۱۵
- .FBIS, *Daily Report*, QQ-3 .۱۶
- .FBIS, *Daily Report*, QQ-3 .۱۷
- Hakimeh Saghaye-Biria, “United States Propaganda in Iran: 1951– .۱۸
.1953” (master’s thesis, Louisiana State University, 2009), 69
- .FBIS, *Daily Report*, vol. 148–70, 19 August 1953, QQ-4 .۱۹
- .FBIS, *Daily Report*, QQ-5 .۲۰
- .FBIS, *Daily Report*, vol. 148–70, 20 August 1953, QQ-9 .۲۱
- .FBIS, *Daily Report*, AA-13 .۲۲
- .Wilber, *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran*, 62 .۲۳

.Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 60 .۲۴

.Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 62 .۲۵

.Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 85 .۲۶

.Wilber, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, 86 .۲۷

Maziar Behrooz, “The 1953 Coup in Iran and the Legacy of the Tudeh,” in Mohammad Mosaddeq and the 1953 Coup in Iran .۲۸
(Syracuse, NY, 2004), 120, 306